

## عنوان مقاله:

بررسی رابطه سبک های دلبستگی با نقش واسطه گری سلامت روان در معلمان شهر یاسوج

## محل انتشار:

مجله علوم زیست محیطی و دانش جغرافیا، دوره 3، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

مظفر خداپرست - دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تهران، (استان کهگیلویه و بویر احمد)

حشمت آله خداپرست - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان

## خلاصه مقاله:

به طور کلی دلبستگی را می توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. این که کودک مراقب خود را که معمولا مادر اوست، می جوید و به او می چسبید، موید وجود دلبستگی میان آن ها است. نوزادان معمولا تا پایان ماه اول عمر خود شروع به نشان دادن چنین رفتاری می کنند و این رفتار برای تسریع نزدیکی به فرد مطلوب طراحی شده است. سلامت روانی انسان به عقیده اسکینر معادل با رفتار منطبق با قوانین و ضوابط جامعه است، و چنین انسانی وقتی با مشکل روبه رو شود تا هنگامی که از طریق جامعه هنجار تلقی شود، از طریق شیوه اصلاح رفتار برای بهبودی و به هنجار کردن رفتار خود و اطرافیان به طور متناوب استفاده می جوید. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک های دلبستگی با نقش واسطه گری سلامت روان در معلمان شهر یاسوج بود. برای دستیابی به این هدف نمونه ای شامل ۱۹۸ نفر از معلمان شهر یاسوج از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار استفاده شده شامل پرسشنامه سلامت عمومی، دلبستگی هازن و شیور و خودتنظیمی میلر و برون بود. یافته ها نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی ( $t=50/04, p=0/001$ ) و ایمن ( $t=-2/49, p=0/013$ ) می توانند سلامت روان را به طور معنی داری پیش بینی کنند. در نهایت سلامت روان، میانجی رابطه بین سبک دلبستگی است.

## کلمات کلیدی:

سبک های دلبستگی، سلامت روان، معلمان، شهر یاسوج

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1871437>

